

www.ketab.ir

یادآوری برای آقای: علی اکبری بزرگان

خستاری در خاطرات دوستان و هم‌زمان شهید حاج‌قاسم سلیمانی

میراث

سرشناسه: اکبری مزداآبادی، علی، ۱۳۵۸، کد کتاب: ۷۵۹۴۹۵-۷

Akbari Mozdabadi, Ali

عنوان و نام پدیدآور: متولد مارس؛ جستاری در خاطرات دوستان و هم‌زمان شهید حاج قاسم سلیمانی / به اهتمام علی اکبری مزداآبادی؛ مقدمه محمدعلی صمدی.

مشخصات نشر: تهران: نشریا زهرا (س)، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص: مصور.

شابک: ۷۵۹۴۹۵-۷-۶۰۰-۹۷۸-۲۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: جستاری در خاطرات دوستان و هم‌زمان شهید حاج قاسم سلیمانی.

موضوع: سلیمانی، قاسم، ۱۳۳۵-۱۳۹۸.

Soleimani, Qasem

موضوع: سلیمانی، قاسم، ۱۳۳۵-۱۳۹۸. -- دوستان و آشنایان -- خاطرات

Soleimani, Qasem -- Friends and associates -- Dairies

موضوع: سرداران -- ایران -- سرگذشتنامه

Generals -- Iran -- Biography

رده بندی کنگره: DSR ۱۶۶۸

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۷۴۶۵۴

وضعیت رکورد: فیبا



متولد ماریس

جستاری در خاطرات دوستان و هم‌زمان شهید حاج قاسم سلیمانی

گردآوری و تألیف: علی اکبری مزداآبادی

مقدمه: محمدعلی صمدی

ناشر: یازهرا (سلام‌الله‌علیها)

نوبت انتشار: چهارم - پاییز ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه (تیراژ تاکنون هجده هزار نسخه)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۴-۹۵-۷

لیتوگرافی: سینا

چاپ: طاها

صحافی: مظفری

قیمت: ۷۳۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب اسلامی، خیابان شهدای ژاندارمری

پاساژ ناشران و کتاب‌فروشان کوثر، شماره ۱

تلفن: ۶۶۴۶۵۳۷۵ - ۶۶۹۶۲۱۱۶

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	فصل یکم: حاج قاسم آمد
۱۵	بروید کمک کنید
۲۹	صدوییست فرمانده
۳۱	راه‌گشا
۳۳	حتماً می‌توانی
۳۷	ده نفر بروند
۳۹	فکرش را می‌کردی؟
۴۰	شاگرد باکری
۴۱	هنر اقناع
۴۳	کاک قاسم
۴۸	عجب حرفی زدی!
۵۰	انفجار خودروی انتحاری
۵۲	مدال افتخار
۵۸	خودم جمع می‌کنم
۵۹	استراتژیست تمام عیار
۶۳	وارد الحاضر نشوید
۶۶	معدن تواضع
۷۰	وای به حال تان!
۷۱	یک روایت ابلهانه
۷۳	پیام به آمریکایی‌ها
۷۴	این‌ها اهل صلح نیستند!
۷۷	سرش را بلند نکرد
۷۸	حاج قاسم آمد!
۷۹	یک شب شیرین
۸۱	ژنرال سلیمانی
۸۲	به احترام حاج قاسم
۸۷	فصل دوم: حاج قاسم باش
۸۹	جان مرا بگیر

- چرا من شفیع شوم؟ ۹۱
- تا آخر با ما بود ۹۲
- خود خوری می کرد ۹۵
- کف پای مادر ۹۸
- یک خصوصیت بارز ۱۰۰
- ما هم مثل بقیه ۱۰۲
- خیلی نامردی! ۱۰۶
- یک بشقاب انجیر ۱۱۰
- سرباز صفر ۱۱۴
- باید بروی! ۱۱۵
- خودم هستم ۱۱۷
- منتظر نمی ماند ۱۱۸
- مسئله تمام شد ۱۱۹
- نشان ذوالفقار ۱۲۰
- مرد عمل ۱۲۶
- موفق باشی حاجم ۱۲۹
- مکتب سلیمانی ۱۳۴
- ۸ فروردین، ساعت ۹ صبح ۱۴۲

- فصل سوم: حاج قاسم شهید**
- حرم امام رضا، شهادت ۱۴۹
- پنج دقیقه از عمر قاسم سلیمانی ۱۵۴
- میوه رسیده ۱۵۸
- آرزوی من است ۱۶۰
- اشهد انه قد اقام الجهاد ۱۶۵
- خبر قطعی شد ۱۷۰
- کمتر از دو ساعت ۱۷۴
- چهار پایگاه آمریکایی ۱۷۶
- وفای به عهد ۱۷۸
- وصیت نامه شهید حاج قاسم سلیمانی ۱۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

«صرف نظر از این که ژنرال قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در کجا ظاهر شود و چه تصاویری از او چه در کنار رهبران ارشد ایران و چه در میان جنگجویان مردمی منتشر شود، وی هم چنان کابوسی برای سیاست‌گذاران آمریکایی است، یک چهره‌ی مهم اما ظاهراً همه جا حاضر. با توجه به حضور وسیع و گاهی اسطوره‌ای‌اش در فضای مجازی و گزارش‌های بی وقفه‌ی مطبوعات بین‌المللی، می‌توان گفت که وی به طور هم‌زمان در چند میدان جنگ حضور دارد.»

برخی به این فرماندهی اسرار آمیز تهران، لقب «سوپرمنی» داده‌اند که مأموریتش خنثی کردن مداوم اهداف واشنگتن و متحدان آن ضمن تقویت شکوه انقلابی جمهوری اسلامی ایران است.

میزان تأثیرگذاری واقعی این مأمور اساطیری تهران ممکن است جای سؤال داشته باشد؛ اما در فضای مجازی، سلیمانی با محاسن خاکستری، چهره‌ی با صلابت و شباهتی به «جالب‌ترین مرد در جهان» به یک چهره‌ی تأثیرگذار مهم، تبدیل شده است. حضور وی در میادین جنگ، طبق روایت‌های فزاینده به منزله‌ی پیروزی برای جنگجویانی است که شانس بهره‌مندی از حضور وی را دارند.

ناظران حوادث خاورمیانه با حساسیت خاصی تحركات سلیمانی (مشهور به «حاج قاسم» در خاورمیانه) را در سراسر سوریه و عراق و دیگر مناطق جنگی ردیابی

می‌کنند و هر تصویر جدیدی از روباه نقره‌ای (چهره‌ی ارزشمند) سپاه پاسداران ایران به هنگام بازدید از نیروهای خط مقدم، گفتگو با مقامات رده بالا و حتی دلجویی کردن از یک کودک کانون توجه قرار می‌گیرد.»

آن چه تا این جا خواندید، توصیف روزنامه‌ی آمریکایی «لوس آنجلس تایمز» بود از حاج قاسم سلیمانی در اواسط دومین دهه از قرن بیست و یکم. در پایان همین دهه، حاج قاسم در حالی که به عنوان میهمانی رسمی وارد سرزمین عراق شده بود، توسط پهپادهای قوای دریایی ارتش ایالات متحده، هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. قاتلینش بلافاصله به این جنایت اعتراف و حتی مباحثات کردند و او را جنگ طلبی بی‌رحم که عامل قتل صدها سرباز آمریکایی بوده معرفی نمودند.

اما در گوشه و کنار، بودند تیزهوشان و اهل تدبیری که مطرح کنند، مهم‌ترین عامل تعدیل‌کننده‌ی قوا در آسیای غربی و ایجاد ثبات در منطقه، از میان رفته است و باید منتظر درهم ریختگی در اوضاع باشیم. چنین تحلیل و دریافتی از تأثیرات شگرف حاج قاسم سلیمانی در پرآشوب‌ترین منطقه‌ی جهان طی قرن گذشته را باید دقیق‌ترین برداشت از عملکرد بیست ساله‌ی او در منطقه دانست. گرچه غالباً حاج قاسم را یک نظامی تمام عیار می‌شناسند، اما وی با مدیریت خارق‌العاده‌ی هم‌زمان جنگ و مذاکره، توانست معجزاتی خیره‌کننده را در آسیای غربی محقق کند. تقریباً تمامی آرایش فعلی صحنه‌های نبرد در آسیای غربی را باید نتیجه طراحی‌های او و عالی‌ترین مشاورش دانست. این در حالی بود که ایالات متحده با درپیش گرفتن استراتژی «هرج و مرج سازنده» بنا داشت با وقت‌کشی و اسکیت‌سواری روی دریایی از خون، داستان را تا پیدا شدن متحدی جدید و قابل اعتماد (عنصری که آمریکایی‌ها از نبودش حقیقتاً عذاب می‌کشند)، کش بدهد.

اما «قاسم سلیمانی» معادلات را تنها بر اساس منافع بومیان منطقه تعریف کرده و با پیشبرد پیرومندان‌شان در میادین مختلف، آن هم با کم‌ترین هزینه،

حریف را به شدت کلافه می‌کرد. (هزاران میلیارد هزینه‌ی آمریکا، در برابر رقم کمتر از بیست میلیارد که خود آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند طی یک دهه هزینه شده) و سرانجام کار به جایی رسید که صاحبان مغزهای فندقی از قماش «ترامپ» و «بومیثو» و «بن سلمان»، راه دیگری جز ترور و حذف ناجوانمردانه را پیش روی خود ندیدند.

این کتاب زمانی منتشر می‌شود که حدود یک سال از فقدان «قاسم سلیمانی» می‌گذرد و هنوز برای ارزیابی نتایج حذف چنین وزنه‌ی تعادلی از صحنه‌ی معادلات کمی زود است، اما اندیشمندان و صاحب نظران، ایام سخت و پرتلاطمی را پیش‌بینی می‌کنند. به نظر می‌آید طوفانی در راه باشد که با حضور استراتژیست کهنه‌کار و جنگ آزموده‌ای چون «حاج قاسم» عبور از آن با هزینه‌هایی بسیار کمتر از آن چه خواهد بود، میسر می‌شود، اما جنگ سالاران و زنگیان تیغ به دست عالم، تقدیر دیگری را رقم زدند.

مارس را هم روح «جنگ» دانسته‌اند، هم روح «محافظ صلح». او یکی از ارواح سه‌گانه‌ی اصلی مسلط بر الهیات دوران باستان بوده است. نام او را بر همان ماهی گذاشتند که اوضاع بری و بحری، برای اردوکنشی و سپاه‌سازی مناسب می‌شد؛ یعنی آغاز فصل اعتدال.

ماهی که در آن برف و یخ به نور آفتاب از پهنه‌ی دشت‌ها محو می‌شد و «خاک» چهره نشان می‌داد. به همین دلیل مارس را ماهِ خاکی هم گفته‌اند و شاید ما بتوانیم رنگ سبزر را هم به نام این ماه بزنیم.

کسانی که سرخی «هریخ» را به نشانه‌ی جنگ، بر قامت «مارس» دیده‌اند، کمتر به سبزی زمین در بهار عنایت داشته‌اند. «مارس» نماینده‌ی همه‌ی باورهای آدمیان کهن بود درباره «جنگ و صلح». گرچه با غلبه جنگ‌ها و کشورگشایی‌های طولانی، اصحاب قدرت توانستند آن را به عنوان «الهه جنگ» در اذهان تثبیت کنند، اما در نهایت، محبوب‌ترین و نام‌آورترین نظامیان و سپه‌مندان تاریخ (و نه

جنگاوران و جنگجویان) آنانی بودند که برای «صلح» شمشیر می‌زدند و همواره مردم و سربازان خود را به صلحی طولانی و پایدار وعده می‌دادند.

ماندگارترین تصاویر شخصیت‌های اسطوره‌ای که شمشیر و سپری داشتند، از آنانی به یادگار ماند که جنگ‌افزارشان در کنج خانه‌هایی روستایی زنگار می‌گرفت و عمرشان به فلاح و صلح و آرامش را برهم می‌زدند. مارس، هم خود می‌گرفتند که دیوانگان قدرت، صلح و آرامش را برهم می‌زدند. مارس، هم آغاز بهار بود و کشت و زرع و زاینده‌گی و بالندگی، هم آغاز لشکرکشی بود و نبرد و مردانگی.

و حاج قاسم سلیمانی، در ماه «مارس» متولد شد. ماه سرخ و سبز و چه زیباست این که پرچم سرزمین حاج قاسم، سفیدی صلحی است که با سرخی نبرد و سبزی زمین محافظت می‌شود. او در نهایت، پیچیده در همان، بر روی اقیانوسی از دست‌ها به سوی جایگاه ابدی‌اش رهسپار شد.

تشییع حاج قاسم را بدون اغراق و با اطمینان می‌توان بزرگ‌ترین بدرقه‌ی انسانی برای یک ژنرال عالی رتبه در طول تاریخ نظامی‌گری دانست. طی چند روز، بین پانزده تا بیست میلیون نفر از مردمان آسیای غربی، برگرد بقایای پیکر او چرخیدند و تجلیلش کردند.

مردی که چهل سال مجال آن را پیدا نکرد که رزم‌جامه از تن درآورد و پای زراعت و صناعت پدری‌اش برگردد. مردی که میلیون‌ها مسلمان در اقصی نقاط جهان، او را نقطه‌ی امیدی می‌دانستند برای دستیابی به صلحی که از بهار ۱۳۲۷ شمسی، از آن محروم شده بودند.

و همین تعداد صهیونیست مسیحی و یهودی در چهارگوشه‌ی عالم، او را تهدیدی به شمار می‌آوردند برای تحقق نبرد «هارمجدون» (آرماگدون). او که مردانه، چهل و پنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده را به مبارزه طلبیده بود، در نهایت، ناجوانمردانه و به شیوه‌ی مردمان پست و فرومایه از پشت خنجر خورد و با آتش آرماگدون‌نیست‌ها قطعه‌قطعه شد.

اما بدون شک این پایان ماجرای محبوب‌ترین ژنرال مسلمان نخواهد بود. ذهن خوانندگان را ارجاع می‌دهم به فراز پایانی فیلم سینمایی «زنده باد زاپاتا»؛ هنگامی که مبارز افسانه‌ای مکزیکی، زیر باران آتش دشمنانش به خاک افتاد و اسبش از معرکه گریخت. یکی از خائنین فریاد زد: «اسبش را بزنید! اسبش را بزنید!» اما اسب به تاخت دور شد و افسانه زاپاتا، سوار بر اسب، در کوه‌ها و دشت‌های سرزمینش جاودانه شد.

امروز حاج قاسم سلیمانی، سردار متولد «مارس»، روحی است سبز و سرخ در تمامی آسیای غربی که به زودی تصاویرش در «سرزمین مقدس» نصب خواهد شد و سرنوشت نبرد آخرالزمان، توسط شاگردان و هم‌زمان او رقم خواهد خورد؛ ان شاء الله.

فان حزب الله هم الغالبون

محمدعلی صمدی

آبان ۱۳۹۹

www.ketab.ir